

ماه مذکور چون مطابق روز دسهره بود که عبد هندوانست بر اجه
 جیسنگه و کنور رامسنگه خلعت خاصه عطا فرمودند و از آنجا که
 بعضی از زمینداران کوهستان جمون و مفسدان آن حدود از کوتاه
 بینی و فتنه گزینی طریق تمرد و عصیان پیموده باغواهی جهالت
 و گمراهی سر بفساد داشته بودند و اوای نخوت و استبداد افراشته
 دفع و استیصال آن گروه خدلان سگال پیش نهاد همت خسروانه
 گشته میر خانرا با جمعی از بند های حضور لامع النور بآن مهم
 مرخص نمودند و فوجداری آن سرزمین نیز از تغیر شهباز خان
 بخان مشارا الیه تفویض نمودند و هنگام رخصت او را بعنایت
 خلعت و اسب عراقی باساز طلا و یک زنجیر نیل و باضافه پانصد
 سوار بمنصب سه هزار و پانصدی سه هزار سوار نواختند و از کومکیان
 او بروج الله خان برادرش و سیف الدین صفوی و راجه سارنگدهر
 و جمعی دیگر خلعت و به برخی اسب مرحمت کردند و بمیدنی
 سنگه که پسر راجه مری نگر امت خلعت مرحمت گردید شانزدهم
 عزیمت گلگشت باغ فیض بنیاد اعز اباد فرموده بفر قدوم والا بهار
 پیرای انجمنستان دولت گشتند و چند روز آنجا قرین خرمی و نشاط
 بسر برده بیست و یکم مراجعت نمودند و چون درین هنگام تقرب
 خان باجل طایعی رخت هستی بر بسته بود عواطف پادشاهانه
 محمد علیخان پسرش را بعطای خلعت از لباس کدورت بر آورد
 و چون بسبب تقصیرات پدرش او نیز از منصب معزول گردیده بود
 درین وقت مورد فضل و بخشایش شهنشاه عطا کار احسانمش
 شده بمنصب هزار و پانصدی دو صد سوار نوازش یافت و امد خان